

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۹۱-۱۱۸

روش ارزیابی مشارکتی روستایی: مطالعه موردی چهار روستا در منطقه «اوان» از استان قزوین

منیژه مقصودی، عباس رحیمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۲/۲

چکیده

این پروژه مطالعاتی که با روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» انجام گرفته است، بر گسترش صنعت اکوتوریسم در منطقه اوان واقع در استان قزوین تأکید دارد و به دنبال شناخت راه‌هایی است که زنان بتوانند در این فرآیند مشارکت کنند. فعال کردن زنان در فرآیند تحقیق و مشارکت آنها در تمامی مراحل تحقیق از جمله موضوعات مورد بحث است. در این مطالعه، پس از شناخت اولیه جامعه محلی و مشکلات و نیازهای آن، راه‌حل‌هایی ارائه می‌شود که توسط خود جامعه محلی جهت ارتقای کیفیت زندگی پیشنهاد شده است.

در این مقاله، مقایسه‌ای بین روش‌های تحقیق کیفی و کمی صورت خواهد گرفت و سپس، به ویژگی‌های رهیافت «ارزیابی مشارکتی روستایی» پرداخته خواهد شد؛ و بخش پایانی مقاله نیز به یافته‌ها و نتایج مطالعه با استفاده از ابزارها و فنون روش ارزیابی مشارکتی روستایی اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی مشارکتی روستایی / اکوتوریسم / مشارکت زنان روستایی / مطالعه موردی / اوان (منطقه، استان قزوین).

* به ترتیب، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی

مقدمه

این مقاله بر اساس یافته‌های حاصل از یک مطالعه موردی تحت عنوان «گسترش و توسعه صنعت اکوتوریسم در منطقه اوان»، با استفاده از روش «ارزیابی مشارکتی روستایی»^(۱) به نگارش درآمده است. این مقاله، از سویی، به معرفی روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» می‌پردازد و از سوی دیگر، بر یافته‌های مطالعه موردی انجام‌شده با بهره‌گیری از این روش تأکید خواهد داشت. این پروژه با هدف «توانمندسازی»^(۲) زنان روستایی و مشارکت آنان در سراسر فرآیند تحقیق انجام شده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق چهار روستا در منطقه اوان واقع در استان قزوین است. روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» از اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ مورد توجه سازمان‌های غیردولتی واقع شد، ولی با مقاومت بسیاری از محققان حرفه‌ای روبه‌رو شد و به تدریج توانست به برخی از محافل دانشگاهی راه یابد. از نکات اصلی در روش «ارزیابی مشارکتی روستایی»، توجه به اقشار منزوی و خصوصاً توجه به حضور زنان است؛ از این رو، این روش صرفاً ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات نیست بلکه از دیگر ویژگی‌های مهم آن «توانمندسازی» جامعه محلی در میدان تحقیق و مشارکت فعال و مستقیم اطلاع‌رسانان در کلیه مراحل تحقیق است. در این شیوه، یکی از اهداف مطالعه «افزایش مشارکت» به معنی افزایش اعتماد به نفس است که افزایش «اعتماد به نفس» به معنی افزایش «توانمندسازی»، و افزایش «توانمندسازی» به معنی افزایش نزدیکی بین «ما» و «آنها» یعنی ذوب شدن سریع‌تر یخ‌هاست (Chambers, 2003). در معرفی این روش، به اصول نه‌گانه آن و منطقی که بر پایه آن قرار دارد، می‌پردازیم. این روش مجموعه‌ای از فنون گوناگون است که شرح برخی از آنها بر پایه یافته‌های مطالعه موردی یادشده تنظیم شده است و شرح اصول این روش با تکیه بر یافته‌های کلیدی در تحقیق میدانی فوق نشان داده می‌شود.

نقش کلیدی اطلاع‌رسانان به‌عنوان «تحلیلگر»^(۳) و نقش محققان به‌عنوان «تسهیلگر»^(۴) از موارد مورد بحث در این مقاله می‌باشد. بنابراین، تجربیات روش

«ارزیابی مشارکتی روستایی» مستقیماً از طریق تجربیات یک تحقیق میدانی با روش فوق مطرح می‌شوند. سایر بخش‌های مقاله به ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه و نحوه برقراری ارتباط با گروه هدف، ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی روستاهای مورد مطالعه، یافته‌های تحقیق با فنون روش ارزیابی مشارکتی روستایی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

بیان مسئله

مهم‌ترین مسئله‌ای که در این پروژه با آن روبه‌رو هستیم، این است که چگونه می‌توان در جهت «توانمندسازی» زنان گام برداشت. البته اصطلاح «توانمندسازی» که معادل واژه انگلیسی «empowerment» است، بدین معنی نیست که «آنها» توانمند نیستند و ناتوانند، بلکه «آنها» (جامعه مورد مطالعه؛ یعنی، زنان روستایی و اقشار منزوی) در زمینه‌های مختلف، بالقوه توانمندند. مسلماً «آنها» اطلاعات بسیار زیادی از جامعه خود دارند و آن را بهتر از محققان می‌شناسند و به مسائل، مشکلات، نیازها و راه‌حل‌های آنها وقوف بیشتری دارند؛ متهمی در شرایط اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی غالب، روابط به‌گونه‌ای رقم خورده که «آنها» در ارتباط با برنامه‌ها، پروژه‌ها و طرح‌های دولتی، ملی و حتی خصوصی، خود را منفعل می‌دانند و منتظرند تا پروژه‌ها به انجام برسند و در جستجوی منافع جمعی و منافع خود می‌باشند. چنین نگرشی به منفعل باقی ماندن جوامعی چون جوامع روستایی منجر می‌شود. غالباً، طراحی پروژه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های دولتی و ملی، بدون حضور «آنها» صورت می‌گیرد، اطلاعات بدون مشارکت «آنها» تجزیه و تحلیل می‌شود، و بدون آنکه «آنها» در فرآیند پروژه سهیم باشند، مسائل و مشکلات «آنها» و حتی راه‌حل آنها بر اساس یافته‌های پرسشنامه و مصاحبه به ذهن محقق‌خطور می‌کند و به‌صورت دستوری از بالا به پایین ارسال می‌شود. محققان پس از انجام تحلیل‌های نهایی می‌گویند ما مشکلات جامعه محلی را «کشف» کردیم و بدان پی بردیم؛ ما راه‌حل این مشکلات را نیز می‌دانیم. در نهایت، پس از اتمام پروژه، محققان گام‌هایی در جهت رفع مسائل و مشکلات برمی‌دارند. پروژه‌های متعددی با چنین فرآیندی انجام می‌شود که با مشکلات نسبی گوناگونی روبه‌روست. ناموفق بودن

پروژه‌ها در جوامع روستایی و عشیره‌ای از همین امر حکایت می‌کند. بنابراین، روش‌های مشارکتی باید در جهت رفع مشکلات فوق برآیند و بتوانند جامعه محلی و افشار منزوی را در جهت انجام پروژه‌ها فعال کنند، به گونه‌ای که با جلب مشارکت فعال و خارج کردن «آنها» از پوسته بی‌حرکی، «آنها» را در جهت «توانمندسازی» هدایت کنند. بنابراین، «توانمندسازی» زنان روستایی از کلیدی‌ترین مسائل این پروژه است که باید بدان پرداخت.

اهداف پژوهش

یکی از اهداف اصلی این مطالعه مشارکت دادن جامعه محلی در سراسر فرآیند تحقیق مانند تهیه طرح تحقیق، تعیین اهداف پروژه، اولویت‌بندی اهداف، شناخت نیازها، مسائل و مشکلات، و ارائه راه‌حل برای جامعه محلی است. در این تحقیق، زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف، نه تنها در تهیه طرح تحقیق بلکه در تبیین و شناسایی نیازها و مسائل و مشکلات جامعه خود مشارکت دارند. سایر اهداف طرح به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- شناخت ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای مورد مطالعه با استفاده از فنون مشارکتی؛
- ۲- بررسی و شناخت مشکلات جامعه محلی، تفکیک، و تجزیه و تحلیل هر یک از مشکلات؛
- ۳- زنان، به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف، چه پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود و روستایشان دارند؛
- ۴- تعاونی چه فعالیت‌هایی باید داشته باشد؛ و
- ۵- شناخت برنامه‌های کوتاه‌مدت و عملی از جانب زنان.

روش‌شناسی

روش‌های کمی و کیفی در دو سوی طیف قرار دارند. از مهم‌ترین ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در روش‌های کمی، پرسشنامه است؛ و در روش‌های کیفی، از مشاهده و

مصاحبه استفاده می‌شود. یکی از ویژگی‌های مشترک در این دو روش «فعال» نگه‌داشتن محقق در تمامی مراحل تحقیق است. در این روش‌ها، از فنون متنوع جمع‌آوری اطلاعات و ابزار و وسایل مجهز برای ثبت و ضبط اطلاعات صوتی و تصویری استفاده می‌شود. محقق به طراحی پرسشنامه می‌پردازد و سؤال‌های مصاحبه را تنظیم می‌کند. او با استفاده از فن مشاهده، آنچه را که در قالب‌ها و عادت‌های فرهنگی خود می‌بیند، حس می‌کند، باور دارد، با آنها زندگی می‌کند، و آنها را هر روز تکرار، مشاهده و مکتوب می‌کند. محقق در تمامی مراحل تحقیق، به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات پیچیده‌تر، باید در میدان تحقیق فعالیت بیشتری داشته باشد و شیوه‌های جدید را کشف و ابداع کند. در این میان، «اطلاع‌رسان»ها دقیقاً به‌عنوان کسانی که «اطلاعات» دارند و محققان این اطلاعات را باید از آنها به دست آورند، پرسشنامه‌ها را پر می‌کنند و به سؤال‌های مصاحبه پاسخ می‌دهند. مشارکت و فعالیت «اطلاع‌رسان»ها به همین جا ختم می‌شود، در حالی که فعالیت محقق قبل از ورود به میدان تحقیق (در تهیه طرح تحقیق، طراحی پرسشنامه و سؤال‌های مصاحبه) شروع و پس از گرفتن اطلاعات نیز تداوم می‌یابد. محقق اطلاعات را تجزیه و تحلیل می‌کند و از این اطلاعات جهت رفع موانع و مشکلات و پاسخ به نیازهای جامعه محلی استفاده می‌کند. چنین شرایطی، به تدریج سبب شد تا پاره‌ای انتقادات از روش‌های کمی و کیفی به عمل آید. از دهه ۱۹۶۰ بدین سو، به تدریج موج انتقادات از روش‌های کمی و رشد و تحول روش‌های کیفی مطرح شد و پس از دهه ۱۹۷۰، نقد روش‌های کیفی خصوصاً از جانب فمینیست‌ها توجهات را به خود جلب کرد (Ellen, 2006). یکی از مهم‌ترین انتقادات وارده بر روش‌های تحقیق کمی و کیفی، عدم حضور فعال «اطلاع‌رسان»ها در میدان تحقیق و بها ندادن به آنهاست. از این رو، مشارکت «اطلاع‌رسان»ها در میدان تحقیق و توجه به گروه‌هایی که کمتر به بازی گرفته می‌شدند، مد نظر قرار گرفت.

پژوهشگران حوزه توسعه روستایی نیز انتقادهایی بر شیوه پژوهش پیمایشی در مسائل توسعه روستایی مطرح کرده‌اند: «مطالعات پیمایشی، حتی اگر به خوبی هم

صورت گیرد، نمی‌تواند روابط علی میان پدیده‌های روستایی را روشن کند. همبستگی آماری به‌تنهایی چیز مشخصی را پیرامون علل و یا کشف روابط و مناسبات اجتماعی نظیر وابستگی، استثمار، و ... به ما نمی‌دهد. تحقیقات پیمایشی از عمق ناچیزی برخوردار است و غالباً بر آنچه قابل اندازه‌گیری و پاسخ‌گویی است، تکیه داشته و بر مسائلی که می‌تواند در قالب سؤال بگنجد، متمرکز می‌شود. این نوع مطالعات کمتر به ابعاد کیفی و غیرقابل لمس جامعه می‌پردازد» (چمبرز، ۱۳۷۶:۷۲).

حضور کم‌رنگ، مشارکت اندک، و منفعل باقی ماندن «اطلاع‌رسان»ها در میدان تحقیق از دیگر انتقادهای وارد بر روش‌های کلاسیک پژوهش است. از جمله سؤال‌هایی که منتقدان مطرح می‌کنند، عبارت‌اند از: «چه گروه‌هایی کمتر به بازی گرفته می‌شوند؟» و «به مشارکت چه کسانی باید بیشتر توجه شود و چگونه؟». پاسخ مشارکت افرادی است که در فرآیند تحقیق حضوری بسیار کم‌رنگ دارند و اصولاً جدی گرفته نمی‌شوند (Chambers, 1992). چنین به نظر می‌رسد که اصولاً عده‌ای در فرآیند تحقیق غایب هستند. بنابراین، باید توجه به زنان و آن دسته از «اطلاع‌رسان»های کاملاً منفعل و مشارکت دادن آنها در تمامی فرآیند تحقیق، از ابتدا تا انتها، از تهیه طرح تحقیق تا تحلیل اطلاعات مد نظر قرار گیرد.

امروزه، ضرورت پیوند پژوهش با عمل از میاحث عمده در روش‌شناسی پژوهش‌های توسعه‌ای است. در این رهیافت، پژوهش تنها جمع‌آوری، تحلیل، و اشاعه نظام‌مند اطلاعات نیست بلکه ممکن است در پاسخ‌گویی به درخواست یک گروه محلی برای کمک به حل یک مشکل و یا تعیین اولویت برای عملیات و برنامه‌ریزی یک پروژه به‌خصوص صورت پذیرد. در سال‌های اخیر، این مسئله که گروه‌های محلی رویه‌های پژوهش سنتی را مزاحم و تفرقه‌انگیز تعبیر می‌کنند، و اینکه تعداد بسیاری از برنامه‌ریزی‌های توسعه «بالا به پایین» بوده، سبب نگرانی پژوهشگران توسعه‌ای شده و به‌دلایلی از این دست، رهیافت‌هایی شکل گرفته است که شیوه و دلیل منطقی کاملاً متفاوتی دارد؛ از آن جمله، مفهوم «پژوهش‌های مشارکتی» است که در آن، پژوهشگران

و مردم محلی برای کنکاش در برخی موضوعات با یکدیگر به طور تنگاتنگ همکاری می‌کنند (پرات و لویزوس، ۱۳۸۲: ۱۱). تجربیات اخیر نشان داده است که هر جا پژوهش‌های مشارکتی با مدیریتی درست اجرا شود، فی‌نفسه می‌تواند فرآیندی توانمندساز باشد. این پژوهش‌ها می‌تواند به آنها کمک کند تا درک خود را از فرهنگ و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، افزایش دهند و راه‌هایی را که به رویشان گشوده می‌شود، بهبود بخشند. در پایین‌ترین سطح نیز این پژوهش‌ها می‌تواند به یک گروه در تعیین اولویت برای انتخاب راه‌های متعدد ممکن جهت انجام یک فعالیت کمک کند (همان: ۱۲).

روش ارزیابی مشارکتی روستایی

«ارزیابی مشارکتی روستایی» روشی در قالب رهیافت‌ها و روش‌هایی است که با هدف خنثی‌سازی سوگیری‌های ضد فقر گردشگری روستایی، به بررسی زندگی و شرایط روستایی می‌پردازد، و برای پرهیز از کمبودهای فراوان پیمایش‌های پرسشنامه‌ای ابداع شده است. در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، در ادامه و به موازات استفاده از اصطلاح «ارزیابی سریع روستایی، واژه «مشارکتی» نیز در این روش به کار رفت. در ارزیابی مشارکتی روستایی، خود مردم محلی بیشتر از بیگانگان به نقشه‌کشی، مدل‌سازی، ترسیم نمودار، رتبه‌بندی، تعیین امتیاز، مشاهده، مصاحبه، تحلیل، و برنامه‌ریزی دست می‌زنند (چمبرز، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

روش ارزیابی مشارکتی روستایی بر فعال کردن اطلاع‌رسانان تأکید دارد؛ باید اطلاع‌رسانانی را که تاکنون به حساب نمی‌آمدند، فعال کرد؛ باید به آنها جرأت و شهامت اظهار وجود داد باید آنها را چنان فعال کرد که در میدان تحقیق، نظر خود را با تمام وجود بیان کنند.

وقتی محقق وارد یک روستا می‌شود، کدام دسته از «اطلاع‌رسان»ها نزد او می‌آیند و دور او را می‌گیرند؟ مسلماً مردان روستایی، مردان قدرتمند روستایی، مردان اجتماعی و کاردان روستایی. گروه‌های منزوی کجا هستند؟ زنان روستایی کجا هستند؟

آنها اغلب در پشت دار قالی پنهان‌اند، آنها مشغول ساییدن کشک و یا جمع کردن علف‌های هرز و یا جمع کردن محصول و به موازات آن، مشغول هزار و یک کار دیگر هستند، مانند بچه‌داری، ظرف‌شویی، نظافت منزل، آشپزی و...؛ آنها فرصتی برای بیان نظر خود ندارند. محققان می‌پرسند، به جز مردان روستایی ثروتمند، دارای منصب و مقام، اسم و رسم‌دار، معتمد محل، فعال، حرّاف، و اجتماعی، سایر مردان کجا هستند؟ کهن‌سالان، مردان بیمار، فقرا، افراد بدون اسم و رسم، مردان خجول و کم‌حرف، مردانی که زیر بار مشکلات کمرشان خم شده است، این دسته از مردان همیشه غایب‌اند؛ آنها تاب و توان درآمدن از لاک خود را ندارند؛ آنها عرصه را برای مردان قوی روستا باز می‌گذارند. بنابراین، وقتی می‌گوییم هدف روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» فعال کردن اطلاع‌رسانان است، باید اضافه کنیم، برخی از اطلاع‌رسان‌ها؛ زیرا مردان اجتماعی، اسم و رسم‌دار و پولدار روستایی به قدر کافی قوی هستند و بنابراین، به قدر کافی در فرآیند مطالعاتی فعال خواهند بود؛ باید آن اطلاع‌رسان‌هایی را فعال کرد که اغلب از صحنه فعالیت‌های اجتماعی حذف شده‌اند، اغلب غایب‌اند و اگر هم در جمع حاضر باشند، آن‌چنان خود را در لابه‌لای جمعیت پنهان می‌کنند که دیده نمی‌شوند، آنها بسیار خوب یاد گرفته‌اند که چگونه دیده نشوند. سپس، باید به حضور زنان که سهم آنها بسیار نادیده گرفته شده است، توجه شود؛ اولاً در تحقیقات، باید آنها را به‌عنوان اطلاع‌رسان‌های مهم تلقی کرد؛ و ثانیاً، باید به دنبال منزوی‌ترین، پرمسئله‌ترین و پرمشکل‌ترین زنان باشیم. بنابراین، یکی از اصول مهم روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» توجه به اقشار محروم و منزوی است.

اصول و فنون روش «ارزیابی مشارکتی روستایی»

«روش ارزیابی مشارکتی روستایی از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۰ در سازمان‌های دولتی شکل گرفت. یکی از نوآوری‌های مهم این روش در زمینه رفتارها بوده است. از این‌رو، این روش صرفاً ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات نیست بلکه هدف «توانمندسازی» جامعه محلی بسیار کلیدی است.

در رهیافت‌های مشارکتی، «اطلاع‌رسان»‌های جامعه مورد مطالعه اصولاً در تمامی مراحل تحقیق، مانند طراحی اولیه پروژه، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و بازبینی مجدد اطلاعات، با محققان حرفه‌ای به شیوه‌ای مشارکتی و فعال همکاری مداوم دارند. از این رو، رهیافت‌های مشارکتی با الگوهای سنتی تحقیق تفاوت چشم‌گیری دارد.

روش ارزیابی مشارکتی روستایی بر پایه نه اصل بنا شده است، که عبارت‌اند از:

۱- جریان معکوس یادگیری؛ یادگیری دانش بومی از روستاییان به گونه‌ای مستقیم و رو در رو؛

۲- حجم زیادی از اطلاعات در زمانی محدود؛

۳- جبران تحریف‌ها؛ در اینجا، بر «عدم تحمیل» به جای مهم جلوه دادن مسائل خاص پژوهشگران و «گوش دادن» به جای سخن گفتن تأکید می‌شود؛

۴- تعادل بهینه اطلاعات (گریز از سنجش افراطی)؛

۵- در این روش، تسهیلگران (محققان) تنها گوش می‌دهند و می‌آموزند؛

۶- تنوع جویی؛ در اینجا، تنوع در اطلاعات جمع‌آوری شده جایگزین میانگین اطلاعات می‌شود؛

۷- تسهیلگری؛ در این روش، نقش محقق تسهیلگری است؛ او باید با شیوه‌ها و فنون تسهیلاتی را برای «اطلاع‌رسان»‌ها ایجاد کند. در این روش، «اطلاع‌رسان»‌ها تحلیلگر هستند؛

۸- هوشیاری و مسئولیت‌پذیری توأم با انتقاد از خود؛ محققان یا به‌عبارتی، تسهیلگران باید همواره با انتقاد از خود فرآیند تسهیل را بهبود بخشند؛ و

۹- اشتراک اطلاعات و آرمان‌ها؛ این اشتراک بین ساکنان محلی و تسهیلگر از طریق برگزاری مناسبت‌های آموزشی و تجارب مشترک تحقق می‌یابد (Chambers, 1992).

این روش بر اساس مجموعه‌ای از تکنیک‌های متنوع استوار است که بر اصل فعال کردن «اطلاع‌رسان»‌ها و در نهایت، «توانمندسازی» پایدار آنها استوار است. در فرآیند کل تحقیق، سه هدف مد نظر است؛ رسیدن بدین اهداف تدریجی است تنها در عمل است که هر یک از این اهداف سه‌گانه رفته‌رفته عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شوند. این سه هدف عبارت‌اند از:

۱. اعتمادسازی^(۵)؛
 ۲. شکستن و ذوب کردن یخها^(۶)؛ و
 ۳. توانمندسازی پایدار جامعه محلی.
- با توجه به نه اصل ذکر شده و انجام تکنیک‌های گوناگون جهت جمع‌آوری اطلاعات، به تدریج اهداف سه‌گانه عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شوند، به گونه‌ای که اگر فرآیند تحقیق به خوبی انجام شود، این سه هدف محقق خواهند شد (Chambers, 2003). همان‌طور که اشاره شد، روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» صرفاً ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات محسوب نمی‌شود؛ و اهدافی چون توانمندسازی جامعه محلی از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش است.

چهارگوش ۱- ابزارها و فنون مورد استفاده در ارزیابی مشارکتی روستایی

تجزیه و تحلیل بصری	
•	نقشه‌کشی و مدل‌سازی مشارکتی
•	تجزیه و تحلیل عکس‌های هوایی
•	پیاده‌روی برشی و گروهی
•	تقویم‌های فصلی
•	رسم نمودار ون و نمودار شبکه‌ای
•	نمره‌دهی ماتریسی و رتبه‌بندی اولویت
•	نمودارهای دایره‌ای
روش‌های مصاحبه و نمونه‌گیری	
•	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته
•	مشاهده مستقیم
•	مطلعان کلیدی
•	تاریخچه‌های قومی
•	نقشه‌های اجتماعی
روش پویایی گروهی و تیمی	
•	قراردادهای تیمی
•	نشست‌های بازنگری تیمی
•	مصاحبه با افراد راهنما
•	گزارش‌نویسی سریع

مأخذ: استرلا و گونتا، ۱۳۸۶: ۷۲

در حال حاضر، در ابزارها و فنون ارزیابی مشارکتی روستایی، تنوع گسترده‌ای وجود دارد که می‌توان آنها را به ابزارهای سمعی و بصری، ابزارهای کمی، و ابزارهای برگرفته از سنت «مردم‌شناسی» تقسیم کرد. در چهارگوش ۱، برخی از ابزارها و فنون مورد استفاده در ارزیابی مشارکتی روستایی آمده است.

جامعه مورد مطالعه و نحوه برقراری ارتباط با گروه هدف

جامعه مورد مطالعه، روستای اوان واقع در استان قزوین است. تحقیق ابتدا با تعداد زنان داوطلبی که آمادگی همکاری بیشتری داشتند، آغاز شد و به کمک فنون خاص این رهیافت، سعی شد «آنها» در تمامی مراحل تحقیق مشارکت و فعالیت داشته باشند. بازتاب چنین عملی از جانب محقق سبب جلب مشارکت تعداد بیشتری داوطلب در مراحل دیگر تحقیق شد؛ بدین ترتیب که اگر در روز اول در میدان تحقیق «اطلاع‌رسان»ها هشت نفر بودند، در روزهای بعد این تعداد به تدریج افزایش یافت.

طی روزهای بعدی اقامت ما در میدان تحقیق، «اطلاع‌رسان»ها با میل و رغبت زیاد به همکاری پرداختند، زیرا می‌دیدند که چگونه در فرآیند این تحقیق، اعتماد به نفس آنها افزایش می‌یابد، اعتمادشان به ما بیشتر می‌شود و به راحتی می‌توانند با ما ارتباط برقرار کنند و از این رو، احساس رضایت می‌کردند. احساس «جدی گرفته شدن»، مفید بودن، فعال بودن و اعتماد متقابل در جهت مشارکت فعالانه در آنها وجود داشت. از سوی دیگر، اینکه تعدادی محقق با کاغذهای پوستی بزرگ و تعدادی ماژیک، از آنها می‌خواستند هرآنچه را که می‌دانند و می‌خواهند، بنویسند و آنها فقط ناظر باشند و حرف‌هایشان را گوش دهند، در زندگی یکنواخت روستاییان بسیار جذاب بود، به طوری که اگر در روزهای بعدی اقامت‌مان در روستا، دیر بر سر قرار حاضر می‌شدیم، با اعتراض آنها روبه‌رو می‌شدیم.

ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی روستای آوان

این تحقیق در روستای آوان واقع در حوزه دریاچه آوان در استان قزوین انجام شده است. مبنای انجام این تحقیق، پژوهشی مقدماتی بود که در پاییز ۱۳۸۵ انجام شد. جهت آشنایی مقدماتی، به برخی از ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی این روستا اشاره خواهیم کرد.

جمعیت

زبان رایج در روستای آوان فارسی است، و ساکنان آن همگی شیعه هستند. طبق سالنامه آماری استان قزوین، در سال ۱۳۸۲، کل جمعیت این روستا ۳۸۱ نفر است. از این تعداد، ۱۹۳ نفر مرد و ۱۸۸ نفر زن هستند. طی ده سال گذشته، مهاجرت وسیعی در سطح روستا صورت گرفته است. از مهم‌ترین عوامل مهاجرت، می‌توان از کمبود درآمد، بیکاری، تحصیل فرزندان و نیز اختلافات محلی یاد کرد. طی سال‌های اخیر، مهاجرت‌ها افزایش یافته که اوج آن در دهه ۱۳۷۰ بوده است. مهاجران اغلب به قزوین، حاشیه‌های قزوین و تهران مهاجرت می‌کنند.

امکانات آموزشی

به‌علت مهاجرت‌های فراوان و کاهش جمعیت نوجوان و جوان، برخی از مقاطع تحصیلی تعطیل شدند و برخی دیگر هرگز بازگشایی نشدند. بنابراین، امکانات آموزشی مناسب در سطح روستا وجود ندارد، و این مسئله خود به افزایش مهاجرت روستاییان دامن می‌زند. در حال حاضر، این روستا دبیرستان و نهضت سواد آموزی ندارد، و تنها دارای مدارس ابتدایی و راهنمایی است.

فعالیت‌های اجتماعی روستا

شورای اسلامی در روستا وجود دارد؛ و اعضای آن شامل سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل است. اکثریت اعضای شورای اسلامی از آموزگاران مقطع ابتدایی و راهنمایی می‌باشند. ریش‌سفیدان روستا نیز از قدرت برخوردارند. از جمله وظایف

شورای اسلامی، رسیدگی به مشکلات و شکایات مردم، تعیین مرزبندی‌های قدیمی در مورد آب، تعیین محل چرای دام در کوه، و یک رشته کارهای عمرانی از جمله لوله‌کشی آب و اقداماتی برای حمام روستاست. تصمیم‌گیری‌های مهم در رابطه با روستا توسط شورای اسلامی اتخاذ می‌شود.

اشتغال

به دلیل تغییر و تحولی که در روستا به وجود آمده، بسیاری از مشاغلی که در گذشته در این منطقه رایج بوده به کلی از میان رفته است. در واقع، به جز مشاغلی چون کشاورزی، باغداری، دامداری و جمع‌آوری گیاهان دارویی، که کم و بیش در سطح محدودی باقی مانده، مشاغلی جدید رشد کرده است که بیشتر در بخش خدمات قرار دارند؛ و از آن جمله، می‌توان از خیاطی و آرایشگاه زنانه نام برد. نکته جالب به مسئله مالکیت در این روستا مربوط می‌شود. کلیه مراتع تحت کنترل و نظارت اداره جنگل‌بانی است که نیروهای بومی را استخدام کرده است. مالکیت تمامی مکان‌های عمومی مانند مدرسه و حمام، در صورت عدم استفاده، به دولت تعلق می‌گیرد و در مواردی، به صورت مزایده به فروش گذاشته می‌شود.

در رابطه با اموال موقوفه، این نکته حائز اهمیت است که در روستای اوان تنها چند درخت چنار وقف مسجد است و به جز آن، موقوفه دیگری وجود ندارد. باید گفت که دو تپه باستانی در روستای اوان در مالکیت سازمان میراث فرهنگی استان قزوین و سند آنها به نام این سازمان است. بر اساس طرح سامان‌دهی حوزه دریاچه اوان، مطابق قرارهای رسمی، اراضی اطراف دریاچه نیز تحت تملک سازمان میراث فرهنگی در خواهد آمد. بقیه املاک شخصی می‌باشند.

صنایع دستی

تا دو دهه پیش، تهیه انواع مصنوعات صنایع دستی چون جاجیم، گلیم، قالی، چادرشب، کرباس، و سبد از جمله فعالیت‌های غالب زنان روستای اوان بوده است. تغییر و تحولاتی مانند افزایش مهاجرت، رشد خدمات، واردات کالاهای مشابه با قیمت‌های

پایین، و عدم حمایت و برنامه‌ریزی طولانی‌مدت از صنایع دستی داخلی موجب شده است که فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی یادشده عملاً از زندگی مردم حذف شود؛ و زنانی که در این بخش فعال بودند، به‌گونه‌ای منفعل شده‌اند.

بنابراین، با تغییر و تحولات جدید، صنایع دستی حضور بسیار کم‌رنگی یافته و در حال نابودی است، و آثار بسیار اندکی از آن به چشم می‌خورد. امروزه، مصنوعات وارداتی جایگزین این‌گونه صنایع دستی شده‌اند؛ و از آن میان، تنها سبدهافی در حدی بسیار محدود هنوز در این روستا دیده می‌شود که آن هم تنها برای مصرف خانگی است و نه عرضه به بازار. قالی‌بافی نیز به‌عنوان صنعتی وارداتی تنها یک دهه در منطقه مورد توجه قرار گرفت و رشد کرد. بنابراین، صنایع دستی کاملاً از رونق افتاده است. گفتنی است که در گذشته، نمدمالی به‌عنوان صنعتی مردانه در روستای اوان فعال بوده است.

طرح روش ارزیابی مشارکتی روستایی از ورای یک تحقیق موردی

موارد زیر از جمله فنون کلیدی به‌کار رفته در این پژوهش است:

۱. نقشه اجتماعی روستا؛
۲. تحلیل نهادهای مختلف در ارتباط با روستا، از دیدگاه جمعی از اهالی؛
۳. مشکلات کشاورزی روستا؛
۴. مشکلات مردم روستا به‌ترتیب اولویت، از دیدگاه زنان؛
۵. تحلیل جدول مشکلات؛
۶. تحلیل فعالیت‌های تعاونی؛
۷. جدول حل مسئله؛
۸. تحلیل نهادها در روستا؛
۹. سؤالات اساسی برای تشکیل تعاونی؛ و
۱۰. تحلیل جدول فعالیت‌های تعاونی.

یافته‌های تحقیق با فنون روش ارزیابی مشارکتی روستایی

تحلیل نهادهای مختلف در ارتباط با روستا، از دیدگاه جمعی از اهالی

ابتدا از جمعی از اهالی روستا درخواست شد تا فهرستی از نهادهای مختلف در ارتباط با روستا را تهیه کنند. آنها نام ۱۶ نهاد را روی کاغذهای پوستی نوشتند؛ سپس، از آنها خواسته شد بر اساس میزان رضایت از عملکرد این نهادها و میزان کارکرد مؤثر آنها اندازه‌ای را برای این نهادها انتخاب کنند. برای این کار، کاغذهای رنگی در اختیار گروه تحلیل‌گر قرار گرفت. بنابراین، هرچه عملکرد این نهادها از نظر اهالی مطلوب‌تر بود، اندازه نهاد نیز بزرگ‌تر انتخاب می‌شد. برای مثال، نهادهای کمیته امداد، آموزش و پرورش و طرح بهسازی از نظر عملکرد مؤثرتر ارزیابی شد. علاوه بر این، از آنها خواسته شد بر اساس اهمیت این نهادها، آنها را نزدیک‌تر یا دورتر از دایره رسم شده قرار دهند. برای مثال، در نمودار ۱، کمیته امداد، مخابرات، منابع طبیعی و جنگل‌بانی از اهمیت بیشتری در نزد اهالی برخوردار بودند؛ و سازمان آب، سازمان میراث فرهنگی و استانداری اهمیت کمتری برای اهالی داشتند. تحلیل‌های انجام‌شده از اجرای این تکنیک به شرح زیر است:

۱- کمیته امداد؛ به دلیل پوشش مناسب افراد بالای ۶۰ سال و افراد تحت پوشش پایین‌تر و نقش مهمی که در بهبود معیشت خانوارهای آسیب‌پذیر در روستا دارد، به‌عنوان نهادی مهم با عملکرد مناسب ارزیابی شد.

۲- سازمان محیط زیست؛ گرچه از نظر اهمیت نسبتاً مهم ارزیابی شد، اما به دلیل عملکردهایی که اثر نامطلوب بر معیشت خانوارها برجای گذاشته بود، به‌عنوان سازمان دارای عملکرد ضعیف مورد ارزیابی قرار گرفت. سیاست‌های نامطلوب از دیدگاه اهالی عبارت بودند از ممنوعیت شکار حیوانات وحشی، که سبب افزایش تعداد گرازها شده و زراعت و باغات خانوارها را مورد تهدید جدی قرار داده است.

۳- خانه بهداشت؛ گرچه از نظر اهمیت برای روستا مهم ارزیابی شد، اما به دلیل عدم استفاده از ظرفیت کامل، عملکرد آن ضعیف ارزیابی شد.

۴- بنیاد مسکن؛ از نظر اهمیت پس از نهادهایی چون آموزش و پرورش، بانک کشاورزی، و محیط زیست قرار می‌گیرد اما عملکرد آن، به دلیل وجود اختلاس در فعالیت ساخت و ساز برای زلزله‌زدگان، از نظر اهالی نسبتاً ضعیف ارزیابی گردید.

۵- طرح بهسازی روستا (طرح هادی)؛ این طرح نیز به دلیل ایجاد خدمات زیربنایی برای روستا دارای اهمیت است، اما عدم پرداخت خسارت به خانوارهایی که خانه‌های آنها در مسیر طرح قرار می‌گیرد، مورد انتقاد اهالی واقع شد و عملکرد آن متوسط ارزیابی شد.

برخی از نهادها نیز چون سازمان آب، میراث فرهنگی، و استانداری، به دلیل منفعل بودن در ارتباط با روستا، از نظر روستاییان از اهمیت بسیار کمی برخوردار بودند. در این نشست که جمعی از زنان و مردان روستای اوان حضور داشتند، بحث‌های متعددی در گرفت. آنها بر اساس تجربیاتی که داشتند، توانستند کلیه نهادهایی را که در روستا فعالیت می‌کنند، مورد ارزیابی قرار دهند و این کار را با شوق و ذوق فراوان انجام دادند. «تسهیلگران» طی بحث‌های گروهی سعی می‌کردند مشارکت افرادی را که هنوز منفعل بودند و جرأت و شهامت وارد میدان شدن را نداشتند، جلب کنند. آنها، یعنی «تحلیلگران»، به خوبی توانستند نهادهای فعال و نیمه‌فعال در روستا را تحلیل کنند.

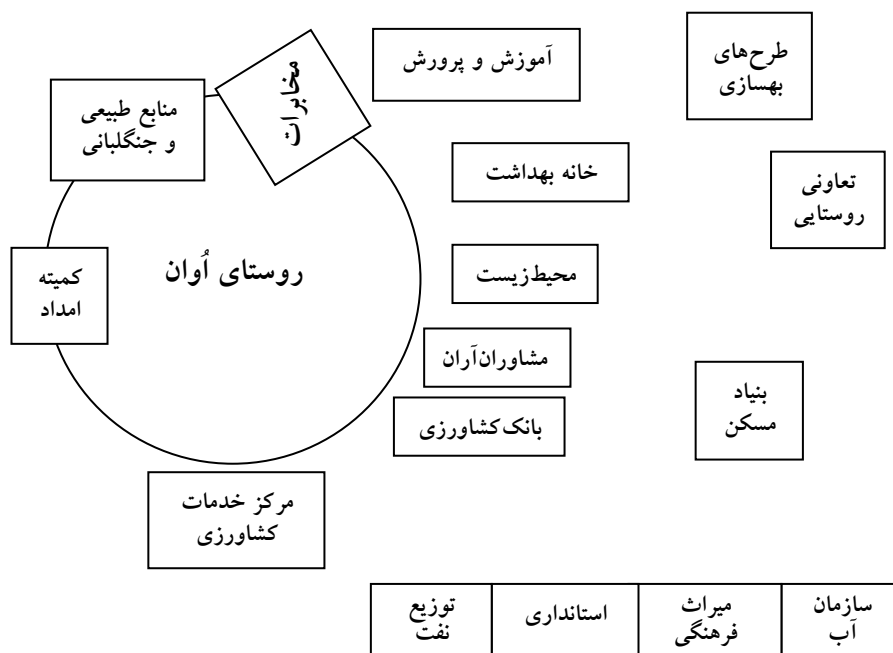
تحلیل نهادهای مختلف در ارتباط با روستای اوان از دیدگاه جمعی از اهالی

ابتدا از جمعی از اهالی روستای اوان درخواست شد تا از نهادهای مختلف در ارتباط با روستا فهرستی تهیه کنند؛ و اهالی ۱۶ نهاد را فهرست کردند. سپس، از آنها خواسته شد تا بر اساس میزان رضایت از عملکرد این نهادها و کارکرد مؤثر آنها، اندازه‌ای را برای هر کدام از آنها انتخاب کنند؛ برای این کار، کاغذهای رنگی در اختیار گروه تحلیل‌گر قرار گرفت. بنابراین، هر چه عملکرد این نهادها از نظر اهالی مطلوب‌تر بود، اندازه نهاد نیز بزرگ‌تر انتخاب می‌شد. برای مثال، از نظر مردم، عملکرد نهادهای کمیته امداد، آموزش و پرورش، و طرح بهسازی مؤثرتر ارزیابی شده است. علاوه بر این، از آنها خواسته شد تا بر اساس اهمیت این نهادها از دیدگاه خود، عنوان نهاد را نزدیک یا

دورتر از دایره رسم شده قرار دهند. برای مثال، در نمودار ۱، نزد اهالی روستا، اهمیت کمیته امداد، مخابرات، منابع طبیعی، و جنگل بانی بیشتر و اهمیت سازمان آب، سازمان میراث فرهنگی، و استانداری کمتر بوده است. تحلیل هایی که می توان از اجرای این فن ارائه داد، به شرح زیر است:

- ۱- به دلیل پوشش مناسب افراد بالای ۶۰ سال و افراد پایین تر از این سن در کمیته امداد و نیز نقش مهم آن در بهبود معیشت خانوارهای آسیب پذیر در روستای اوان، کمیته امداد به عنوان نهادی مهم با عملکردی مناسب ارزیابی می شود؛
- ۲- هرچند، سازمان محیط زیست نسبتاً مهم ارزیابی شده اما به دلیل برخی عملکردهای آن که بر معیشت خانوارها اثری نامطلوب داشته است، به عنوان نهادی با عملکرد ضعیف ارزیابی می شود. سیاست هایی که اهالی نامطلوب تفسیر می کردند، عبارت اند از: ممنوعیت شکار حیوانات وحشی که سبب افزایش تعداد گرازها شده و زراعت و باغات خانوارها را مورد تهدید جدی قرار داده است؛ ممنوعیت ساخت و ساز در حریم ۲۵۰ متری دریاچه که بر اساس آن، برخی از خانوارها نتوانسته اند در این زمین ها برای فرزندانشان به احداث مسکن بپردازند، و اهالی این ممنوعیت را از ناحیه سازمان حفاظت محیط زیست تلقی می کردند؛ و رعایت الگوی ساخت و ساز، که این مسئله نیز برای احداث مسکن خانوارها تنگناهایی را ایجاد کرده است (با توجه به ساخت و سازهای بنیاد مسکن، دستوری از جهاد کشاورزی استان دسترسی مبنی بر ممنوعیت گسترش ساخت و ساز بیش از ۳۰ متر مربع در خارج از حریم مسکونی روستا صادر شده که به موجب آن، برای هر گونه ساخت و سازی بیش از این میزان مجوز تغییر کاربری لازم است و در صورت عدم رعایت آن، پیگرد قانونی خواهد داشت. بر اساس این دستور، دیگر کسی نمی تواند خارج از حریم روستا ساختمان بسازد)؛

- ۳- لازم به یادآوری است که یک سازمان غیردولتی به مدت بیش از ده سال در منطقه کار پژوهشی انجام داده است اما شرکت آران در مقام مشاور استانداری به مدت دو سال است که فعالیت دارد؛
- ۴- هرچند، خانه بهداشت نیز برای روستا مهم ارزیابی شده است اما به دلیل عدم استفاده از ظرفیت کامل، عملکرد آن ضعیف ارزیابی می شود؛
- ۵- بنیاد مسکن نیز به لحاظ اهمیت پس از نهادهایی چون آموزش و پرورش، بانک کشاورزی، و محیط زیست قرار می گیرد اما از نظر اهالی، عملکرد آن به دلیل وجود اختلاس در فعالیت ساخت و ساز برای زلزله زدگان نسبتاً ضعیف ارزیابی شده است؛
- ۶- طرح بهسازی روستا (طرح هادی) نیز به دلیل ایجاد خدمات زیربنایی برای روستا دارای اهمیت است اما عدم پرداخت خسارت به خانوارهایی که خانه های آنها در مسیر طرح قرار می گیرد، مورد انتقاد اهالی واقع شده و عملکرد آن متوسط ارزیابی شده است. برخی از نهادها نیز چون سازمان آب، میراث فرهنگی، و استانداری، به دلیل منفعل بودن در ارتباط با روستا، از اهمیت بسیار کمی نزد روستاییان برخوردار شده اند؛ و
- ۷- عدم اطلاع اعضای شورای اسلامی روستا از اهداف و فعالیت «مهندسين مشاور آران»؛ اعضای این شورا که از منتخبان مردم هستند، از نحوه و سازوکار تصمیمات اتخاذ شده اطلاع دقیقی ندارند.



نمودار ۱- تحلیل نهادها در روستا

تحلیل عمده‌ترین مشکلات در روستای آوان

در نگاه اول، تصور بر این بود که زنان روستایی تنها به مشکلات شخصی خود خواهند پرداخت؛ ولی طی یک جلسه تسهیلگری و بحث‌هایی که درگرفت، آنان به عمده‌ترین مشکلات روستا اشاره کردند و آنها را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار دادند. بر اساس جدول ۱، عمده‌ترین مشکلات روستا از دیدگاه زنان به شرح زیر است:

۱- با توجه به اینکه در روستای آوان، عمده‌ترین فعالیت‌ها کشاورزی است، بنابراین، مهم‌ترین مشکلات نیز به کشاورزی مربوط می‌شود؛

۲- در حالی که گردشگری می‌تواند یک فرصت باشد، اما از نظر گروهی از اهالی در حال حاضر عملاً به‌عنوان یک تهدید مطرح است، که در اولویت دوم قرار گرفته است؛

۳- کمبود درآمد جامعه روستایی در ردیف سومین مشکل اهالی است که می‌تواند ناشی از مشکلات کشاورزی باشد؛

۴- بیکاری جوانان نیز در شمار مهم‌ترین مشکلات می‌باشد؛ و

۵- سایر مشکلات.

مشکلات کشاورزی

یکی دیگر از مباحث مشارکتی، بحث پیرامون مشکلات بخش کشاورزی است. در بخش مشکلات کشاورزی، عمده‌ترین مشکل مسئله گرازاها می‌باشد، به طوری که بازدهی و درآمد کشاورزان را به شدت کاهش داده است. مشکل بعد در بخش کشاورزی، مسئله سرمایه‌گذاری، آفت‌های گیاهی و باغی، بالا بودن هزینه شخم و پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی است که توسط واسطه‌ها با نازل‌ترین قیمت خریداری می‌شود.

پیشنهادها جهت حل مشکلات کشاورزی از دیدگاه گروه هدف شامل این موارد می‌باشد: جلوگیری از پیش‌فروش محصول با تشکیل تعاونی، در اختیار گذاشتن تراکتور، تأسیس کارگاه صنایع دستی برای دختران و زنان، و در اختیار گذاشتن کود و بذر ارزان از طرف مرکز خدمات کشاورزی.

مشکلات اهالی روستا

در این بخش از تحقیق، پس از آنکه زنان روستایی جداول متعددی را با «تحلیلگری» خود مکتوب کردند و سپس، در باره مشکلات در روستا نیز نظر دادند، از آنها خواسته شد تا به عمده‌ترین مشکلات در روستای خود بپردازند. ابتدا فهرستی از عمده‌ترین مشکلات تهیه شد؛ سپس، آنها در یک بحث گروهی در باره هر یک از مشکلات شرکت کردند. آنها اذعان داشتند که مشکلات مربوط به گردشگری در ارتباط با کلیه اهالی روستا می‌باشد. عمده‌ترین این مشکلات عبارت از تهدید امنیت اجتماعی جامعه محلی از طریق عدم رعایت مسائل اخلاقی و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در ملاء عام

بود؛ سپس، آنها به مشکلاتی اشاره کردند که توسط سازمان‌های مسئول ایجاد شده بود و برای حل این مشکلات، موارد زیر را مطرح کردند: ایجاد یک مدیریت منسجم جهت اداره گردشگری؛ شورای روستا می‌تواند در این مدیریت نقش عمده و مهمی داشته باشد. از مهم‌ترین پیشنهادهای آنها برای رفع مشکل کمبود درآمد، تشکیل تعاونی برای فروش محصولات تولیدی به‌ویژه لوبیا به گردشگران بود؛ پیشنهاد ایجاد یک تعاونی از جمله پیشنهادهای زنان روستایی بود که به‌لحاظ ایجاد اشتغال بحث مفصلی را به دنبال داشت. زنان روستایی به برخی از مشکلات عمده کشاورزی اشاره کردند و جهت رفع آن به یک رشته راه‌حل‌های جالب رسیدند، از جمله آنکه می‌گفتند با تشکیل تعاونی می‌توان از پیش‌فروش محصولات جلوگیری کرد. آنها به کمبودهایی نظیر تراکتور، کود و بذر اشاره کردند، و راه‌حل را در تشکیل تعاونی دانستند. بنابراین، پیشنهاد تشکیل تعاونی باعث ایجاد جوّ پرشوری شد که در آن، هر یک از زنان به ایده‌های متعددی اشاره می‌کرد و فعالیت‌هایی را برای خود و دیگران در نظر می‌گرفت.

پس از آن، بحث به سمت مشکل اصلی جوانان روستا یعنی بیکاری کشیده شد. در این میان، به عمده‌ترین مشکلی اشاره شد که بیکاری به وجود می‌آورد؛ یعنی، مشکل اعتیاد در میان جوانان. یکی از زنان پیشنهاد تأسیس کارگاه‌های صنایع دستی برای دختران و زنان را داد که با بحث مفصلی دنبال شد و برنامه‌های متعددی برای آن در نظر گرفته شد. شور و شوق زنان در این نشست‌های گروهی بی‌نظیر بود.

در ادامه این بحث، زنان به برخی دیگر از مشکلات اشاره کردند، از جمله نبودن دبیرستان در روستا، خشکسالی سال‌های قبل و مشکل تهیه «جهیزیه» در بعضی خانوارها. از مشکلات دیگر مسئله «وام» برای ساختمان‌سازی بود. در ادامه، پیشنهادهایی مانند ایجاد کارگاه و تعاونی به‌منظور ایجاد اشتغال به‌صورت مفصل‌تری طرح شد و در یک جدول جداگانه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱- مشکلات روستا از دیدگاه زنان

سایر مشکلات	مشکلات گردشگری	کمبود درآمد	بیکاری
در روستا «دبیرستان» نیست	تهدید امنیت اجتماعی جامعه محلی	از اول بهار تا پاییز زحمت می‌کشیم اما درآمد زیادی نداریم	خانم‌ها و دختران جوان بیکارند
مشکل بهسازی و «تخریب» تعدادی از خانه‌های اهالی	عدم رعایت مسائل اخلاقی و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در ملاء عام	برای گذراندن زندگی مشکل داریم	زنان جز خانه‌داری کار دیگری ندارند
زمستان‌های سخت			جوان‌های روستا بیکارند
خشکسالی در سال‌های قبل			اعتیاد در میان جوانان وجود دارد
بعضی خانوارها برای تهیه «جهیزیه» مشکل دارند			
مشکل «وام» برای ساختمان‌سازی			

جدول ۲- پیشنهاد های حل مشکلات

پیشنهاد های حل مشکلات کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> • جلوگیری از پیش‌فروش محصولات با تشکیل تعاونی امکان‌پذیر است • بالا بردن قیمت فروش محصولات • در اختیار گذاشتن تراکتور (برای کم کردن هزینه‌های کشاورزی) • در اختیار گذاشتن کود و بذر ارزان
پیشنهاد های حل مشکلات گردشگری
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد یک مدیریت منسجم برای اداره گردشگری • تشکیل تعاونی برای فروش محصولات تولیدی به گردشگران • حضور شورای روستا در مدیریت گردشگری
پیشنهاد برای حل مشکل بیکاری دختران و زنان
<ul style="list-style-type: none"> • تأسیس کارگاه‌های صنایع دستی

تعاونی چه فعالیت‌هایی را باید انجام دهد؟

با توجه به اینکه در زمینه حل مشکلات کشاورزی، جامعه محلی به تشکیل تعاونی برای فروش محصولات با قیمت عادلانه‌تر اشاره کرده بود، مسئله تعاونی و اینکه چه فعالیتی را باید انجام دهد و برای تشکیل آن کدام سؤال‌های اساسی وجود دارد، در یک بحث گروهی با زنان، از طریق مباحث زیر مطرح شد: اولویت نخست فعالیت تعاونی از نظر زنان که برآمده از مشکلات آنهاست، فروش محصولات به‌ویژه لوبیا و حبوبات با قیمت‌های مناسب و بدون واسطه است. این موارد از جمله اولویت‌های نخست ذکر شدند: بسته‌بندی لوبیا و فروش آن، فروش گردو، و فروش انواع محصولات به گردشگران؛ عرضه کالاهای مصرفی و امکان خرید نسبه، راه‌اندازی نانوايي و قصابي، و عرضه مواد غذایی ای که در روستا وجود ندارد، با قیمت مناسب در اولویت بعدی فعالیت‌های تعاونی قرار دارد؛ از جمله اولویت‌های سوم این است که فعالیت تعاونی را مردم محلی اداره کنند؛ و ایجاد امکانات تولیدی از جمله قالی‌بافی، پارچه‌بافی و تولید لبنیات سنتی؛ ایجاد اشتغال برای جوانان و ایجاد کارگاه از جمله اولویت‌هایی برای فعالیت تعاونی است که به دلیل نیاز به سرمایه و امکانات، به‌عنوان هدفی دوردست‌تر در اولویت چهارم قرار گرفته است.

سؤال‌های کلیدی برای تشکیل تعاونی

برای تشکیل تعاونی یک رشته سؤال‌های کلیدی مطرح شد تا ایجاد انگیزه و واکنش کند و آنها نیز خود با طرح سؤال‌های دیگر بتوانند عمیقاً در مورد شرایط ایجاد تعاونی به بحث و گفتگو بپردازند. از این طریق، قصد آن بود که خود «تحلیلگران» به شرایط ایجاد تعاونی برسند. مسئله اصلی پیرامون این مبحث بود که چگونه می‌توان همه اعضای ساکن در روستا را از منافع تعاونی منتفع ساخت. در این مورد، راه‌حل‌های جالبی از طرف «تحلیلگران» مطرح شد. پس از آن، چند سؤال کلیدی طرح شد.

جدول ۳- تعاونی چه فعالیت‌هایی را باید انجام دهد

اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم
فروش محصولات روستا به قیمت مناسب (بی واسطه)	تعارف محصولات مصرفی اهالی و امکان خرید نسبه	فراهم کردن امکانات تولیدی	ایجاد اشتغال برای جوانان
فروش محصولات لوبیا و حبوبات	عرضه مواد غذایی که در روستا وجود ندارد، با قیمت مناسب	ایجاد امکان قالی‌بافی (برای زنان)	ایجاد اشتغال و کارهایی که به واسطه آن بتوان تجربه کسب کرد
بسته‌بندی لوبیا و فروش آن	راه‌اندازی نانویی و قصابی و میوه‌فروشی	امکانات پارچه‌بافی (برای زنان)	ایجاد کارگاه در روستا
فروش گردو		تولید لبنیات سنتی	
فروش محصولات به گردشگران		فعالیت تعاونی را مردم محلی اداره کنند	

برخی از سؤال‌ها عبارت بودند از: «آیا همه افراد روستا می‌توانند عضو تعاونی شوند؟ آیا هر روستا برای خودش می‌تواند یک تعاونی داشته باشد؟»، «آیا خانم‌ها نیز می‌توانند در تعاونی عضو باشند و یا باید تعاونی جداگانه‌ای داشته باشند؟»، و «آیا باید برای خانواده‌هایی که توانایی پرداخت حق عضویت را ندارند، تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شود؟». برای این سؤالات پاسخ‌های مناسبی از طرف جامعه محلی ارائه شد.

برای مثال، در پاسخ بدین سؤال که «آیا همه افراد روستا می‌توانند عضو تعاونی شوند؟»، برخی از افراد محلی بدین نتیجه رسیدند که اگر از هر خانواده یک نفر عضو تعاونی شود، منافع به صورت عادلانه‌تر میان خانوارها توزیع می‌شود؛ و برای کسانی که توانایی پرداخت حق عضویت را ندارند، تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شد، مثلاً ابتدا از آنها حق عضویت گرفته نشود اما بابت این حق عضویت از سود احتمالی آنها کسر شود.

ارائه برنامه‌های کوتاه‌مدت و عملی از سوی خانوارهای روستایی

در پاسخ بدین سؤال که «چه برنامه عملی و کوتاه‌مدتی برای مدیریت اطراف دریاچه وجود دارد؟»، گروه هدف پیشنهادهایی را ارائه دادند که می‌تواند شروعی برای فعالیت‌های جنبی و تشکیل تعاونی در آینده و نیز تمرین فعالیت‌های مشارکتی باشد. این پیشنهادها اغلب حول محور حل مشکلات مربوط به گردشگران می‌چرخید. ویژگی این پیشنهادها در عملی بودن، هزینه اندک و اتکای آن به مشکلات جامعه روستایی بود. از مهم‌ترین پیشنهادها، ایجاد چادرهای سیار در اطراف دریاچه و ارائه خدماتی از قبیل هیزم، نان، ماست و شیر به گردشگران، و تشکیل نشست‌های هفتگی از طرف مردم بود.

پس از جمع‌آوری کل اطلاعات طی اقامت چند روزه، قرار بر این بود تا کلیه اطلاعات را به آنها نشان دهیم. این جلسه پرشورتر از سایر جلسات بود. جلسه مزبور برای زنان روستایی مانند یک نشست گروهی و یا یک مهمانی با حضور همگی آنها بود؛ و در این جلسه، می‌خواستند به نقطه‌نظرات دیگری نیز دست یابند. جلسات پایانی این روش در نوع خود بی‌نظیر بوده است. از اطلاعات به دست آمده، طرحی تحقیقی طراحی شد که کاملاً منطبق با ایده‌های آنها بود.

جدول ۴- ارائه برنامه کوتاه‌مدت و عملی

پیشنادهای مردم برای ارائه خدمات به گردشگران	
•	اطراف دریاچه چادر زده شود (تعاونی به صورت سیار)
•	متصدی چادرها توسط تعاونی تعیین شود
•	به گردشگران خدمات ارائه شود (از قبیل هیزم، نان، ماست و شیر)
•	در نشست‌های هفتگی، از طرف مردم برنامه‌ها مشخص شود
•	تا زمانی که تعاونی تشکیل شود، ارائه خدمات به گردشگران داوطلبانه باشد

نتیجه‌گیری

این پژوهش میدانی با روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» به ما نشان داد که روستاییان، زنان و مردان روستا، از میان اقشار به حاشیه رانده شده به‌عنوان «اطلاع‌رسان»های کلیدی، اطلاعات بسیار زیادی از محیط خود دارند. وقتی صحبت از حضور زنان در این تحقیق به میان می‌آید، برخلاف این ایده که زنان به دلیل عدم مشارکت در مسائل اقتصادی از این مسائل اطلاعی ندارند و برای اطلاعات باید به مردان روستا، اعضای شورای روستا، و مردان معتمد محل کسب مراجعه کرد، نتایج این مطالعه بر اساس روش‌های ارزیابی مشارکتی نشان داد که به کمک «اطلاع‌رسان»های زن در روستا، می‌توان فهرستی از نهادهای مختلف در ارتباط با روستا تهیه کرد و سپس، به میزان رضایت از عملکرد این نهادها و میزان کارکرد مؤثر آنها وقوف یافت. با توجه به اینکه در روستای اوان، عمده‌ترین فعالیت‌ها کشاورزی است، زنان «اوانی» به برخی از مهم‌ترین مشکلات این روستا اشاره کردند. در ضمن، آنها اظهار می‌داشتند که گردشگری می‌تواند هم ایجاد اشتغال کند و هم امنیت جامعه روستایی را که از ساختاری سنتی برخوردار است، تهدید کند. یکی از پیشنهادهاى جالب که از جانب زنان مطرح شد، تشکیل تعاونی روستایی بود. نوع تعاونی و اینکه چه فعالیت‌هایی را باید انجام دهد و برای تشکیل آن، چه شرایط اساسی وجود دارد، محور بحث‌های گروهی بود. زنان نوع فعالیت‌های تعاونی را اولویت‌بندی کردند و برای هر یک از مراحل، پیشنهادهایی داشتند. یکی از نتایج این مطالعه ارائه برنامه‌ای عملی و کوتاه‌مدت برای مدیریت اطراف دریاچه بود. گروه هدف پیشنهادهایی را ارائه دادند که به موجب آن، فعالیت‌های جنبی، تشکیل تعاونی در آینده و نیز تمرین جهت فعالیت‌های مشارکتی در دستور کار قرار گرفت. این پیشنهادها اغلب بر پایه حل مسائل، مشکلات و پاسخ به نیازهای جامعه محلی استوار بود.

یکی از مهم‌ترین نتایج این تحقیق، تمرین توانمندسازی جامعه محلی با تأکید بر حضور اقشار منزوی، مردان و زنان در تمامی مراحل پروژه بود، بدین صورت که آنها

از ابتدا (تهیه طرح تحقیقاتی) تا انتها (ارائه راه‌حل و پیشنهادهای) با ما همراه بودند، برنامه طراحی شده را از آن خود می‌دانستند، و آماده همکاری و مشارکت بودند. آخرین نکات در این قسمت، اشاره‌ای کوتاه به هیجان و لذتی است که در فرآیند تحقیق با روش «ارزیابی مشارکتی روستایی» به دست می‌آید؛ این هیجان ناشی از کشف پدیده‌هایی است که آنها را تدریجاً کشف می‌کنیم؛ و نکته دیگر مربوط به راه‌های نرفته‌ای است که ما خود برای اولین بار آنها را طی خواهیم کرد و آن راه‌های سنگلاخ را به راه‌هایی تبدیل می‌کنیم که قابل عبور با سهولت کامل ولی فاقد هرگونه کشف و هیجانی برای دیگران بوده‌اند. آیا هیجان و سرخوشی می‌تواند همواره بخشی از «ارزیابی مشارکتی روستایی» باشد؟ آیا هیجان اکتشاف را می‌توان یک امر عمومی دانست که در یک عمل درست نهفته است و نوعی ویژگی مطمئن و تکرارپذیر به حساب می‌آید؟ هر موقعیت و تجربه‌ای، جدید است. پس، آیا فرآیند «ارزیابی مشارکتی روستایی» می‌تواند همیشه و همه‌جا این قابلیت را داشته باشد که برای انسان حیرت‌آور، تعجب‌انگیز، پرهیجان و الهام‌بخش باشد؟ و نشان دادیم می‌شود کارهایی که به مخیله ما هم خطور نمی‌کرد، به دست کسانی صورت گیرد که فکر می‌کردیم از عهده آنها خارج است (Chambers, 2003).

یادداشت‌ها

1. Participatory Rural Appraisal (PRA)
2. empowerment
3. analyst
4. facilitator
5. trust-building
6. ice-breaking

منابع

استرلا، ماریسول و گونتا، جان (۱۳۸۶)، چه کسی واقعیت را محاسبه می‌کند؟. ترجمه حمید رضا زرنگار. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

پرات، برایان و لویزوس، پیتر (۱۳۸۲)، *انتخاب روش‌های پژوهش*. ترجمه ابراهیم حسن‌پور آهی‌دشتی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

چمبرز، رابرت (۱۳۷۶)، *اولویت‌بخشی به فقرا*. ترجمه مصطفی ازکیا. تهران: دانشگاه تهران.
چمبرز، رابرت (۱۳۸۱)، *چالش با حرفه‌ها*. ترجمه علیرضا خرمایی. تهران: مرکز تحقیقات و
بررسی مسائل روستایی.

چمبرز، رابرت (۱۳۸۴)، *تأملاتی بر PRA*. ترجمه منیژه مقصودی، نشریه انسان‌شناسی. شماره
اول، بهار ۱۳۸۴.

Chambers, Robert (1992), *Rapid Rural Appraisal and Participation*.
Sussex: I.D.S.

Chambers, Robert (2003), *Reflection on P. R. A. Experiences, Pathway to
Participation*. Sussex: I. D. S.

Lewin, Ellen (2006), *Feminist Anthropology*. Oxford: Blackwell.